

۲۲۳۴۴۸۷
۱۴۰۰/۱۲/۳

رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای غربی (ایران، ترکیه و عربستان)

www.ketab.ir

تالیف

دکتر سیدعباس احمدی
(استادیار دانشگاه تهران)

دکتر طهمورث حیدری موصلو



شماره مسلسل ۱۰۸۶۸

شماره انتشار ۴۴۶۹

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: احمدی، سیدعباس، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای غربی (ایران، ترکیه و عربستان)/
مشخصات نشر	: تألیف سیدعباس احمدی، طهمورث حیدری موصول.
مشخصات ظاهری	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۴۰۰.
فروست	: ۳۷۷ص: مصور(رنگی)، جدول، نقشه(رنگی).
شابک	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۴۶۹.
وضعیت فهرست‌نویسی	: 1-1-978-964-03-0281
یادداشت	: فیبا
موضوع	: کتابنامه: ص. ۳۲۵-۳۵۹.
موضوع	: ایران- روابط خارجی- خاورمیانه
موضوع	: Iran - Foreign Relation- - Middle East
موضوع	: خاورمیانه- روابط خارجی- ایران
موضوع	: Middle East- - Foreign Relation- - Iran
موضوع	: ترکیه- روابط خارجی- خاورمیانه
موضوع	: Turkey- - Foreign Relation- - Middle East
موضوع	: خاورمیانه- روابط خارجی- ترکیه
موضوع	: Middle East- - Foreign Relation- - Turkey
موضوع	: عربستان سعودی- روابط خارجی- خاورمیانه
موضوع	: Saudi Arabia- - Foreign Relation- - Middle East
موضوع	: خاورمیانه- روابط خارجی- عربستان سعودی
موضوع	: Middle East- - Foreign Relation- - Saudi Arabia
شناسه افزوده	: حیدری موصول، طهمورث، ۱۳۶۳ -
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۶۵۶ ۱۴۰۰
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۷۸۵۱۲

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.
(این کتاب با کاغذ حمایتی به چاپ رسیده است.)



عنوان: رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای غربی (ایران، ترکیه و عربستان)

تألیف: دکتر سیدعباس احمدی - دکتر طهمورث حیدری موصول

ویرایش ادبی: محبوبه قاسمی‌ایمچه

نویت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است»

بها: ۱۰,۲۰۰,۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

بخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست

پیشگفتار.....	ز
مقدمه.....	ض
فصل اول: چارچوبی برای فهم رقابت ژئوپلیتیکی..... ۱	
ژئوپلیتیک.....	۱
پیدایش و روند جنبش نظری ژئوپلیتیک.....	۷
رقابت ژئوپلیتیک.....	۱۰
منطقه ژئوپلیتیکی.....	۱۳
ادبیات ژئوپلیتیک و شکل‌گیری فضای رقابتی در مناطق.....	۱۶
نگرش رقابت ژئوپلیتیکی بعد از جنگ سرد.....	۱۹
قرن بیستویکم و دوران تحول موضوع و مفهوم محوری رقابت در ژئوپلیتیک مناطق.....	۲۱
مناطق از دیدگاه مکاتب.....	۲۲
۱- مکتب انگلیسی ژئوپلیتیک؛ دوران رشد ژئوپلیتیک.....	۲۳
۲- مکتب آلمانی ژئوپلیتیک؛ دوران اوج ژئوپلیتیک.....	۲۴
۳- مکتب امریکایی ژئوپلیتیک؛ دوران احیای ژئوپلیتیک.....	۲۶
۴- مکتب فرانسه؛ آغاز رقابت ژئوپلیتیکی در مقیاس محلی.....	۲۸
دوره ژئوپلیتیک انتقادی و رادیکال.....	۲۹
تعلق ژئوپلیتیکی.....	۳۱
قلمرو ژئوپلیتیکی.....	۳۲
نفوذ ژئوپلیتیک.....	۳۳
قدرت و سرزمین.....	۳۶
واقع‌گرایی.....	۳۷
توازن قدرت.....	۳۹
موازنه قدرت کنت والتز.....	۴۱
موازنه تهدید استفان والت.....	۴۲
موازنه نرم.....	۴۵

۴۸.....	عوامل ژئوپلیتیک در موازنه منطقه‌ای.....
۴۹.....	درک و فهم ژئوپلیتیکی مدیران سیاسی.....
۵۰.....	قطب‌بندی ژئوپلیتیکی.....
۵۲.....	بسترهای شکل‌گیری رقابت ژئوپلیتیک.....
۵۲.....	۱- اختلافات سرزمینی و مرزی.....
۵۳.....	۲- ایدئولوژی.....
۵۵.....	۳- توازن در رقابت.....
۵۶.....	۴- برچسب‌زنی.....
۵۷.....	۵- خصوصیت روان‌شناختی- تاریخی.....
۵۸.....	۶- پیمان‌ها و رقابت.....
۵۹.....	۷- آمادگی نظامی و رقابت.....
۶۰.....	۸- استراتژی کلان و رقابت.....
۶۱.....	۹- تغییر ساختار ژئوپلیتیکی.....
۶۳.....	فصل دوم: جنوب غرب آسیا؛ میدان بازی.....
۶۳.....	خاورمیانه به‌عنوان یک ساخت ژئوپلیتیکی.....
۶۹.....	جنوب غرب آسیا جای‌گزین خاورمیانه می‌شود.....
۷۱.....	پیشینه تاریخی حکومت در جنوب غرب آسیا.....
۷۷.....	ساختارشناسی و سیر تکوین حکومت- ملت‌ها در جنوب غرب آسیا.....
۷۹.....	چالش هویت در جنوب غرب آسیا.....
۸۲.....	ماهیت حکومت در کشورهای عربی.....
۸۳.....	دهه ۱۹۲۰؛ رویش مرزهای جغرافیای سیاسی در منطقه.....
۹۰.....	چالش‌های ژئوپلیتیکی بین دو جنگ جهانی.....
۹۱.....	کشورسازی- ملت‌سازی آتاتورک در ترکیه.....
۹۵.....	کشورسازی- ملت‌سازی رضاشاه پهلوی در ایران.....
۱۰۱.....	کشورسازی ابن‌سعود در عربستان.....
۱۰۵.....	قطب‌بندی ژئوپلیتیکی در جنوب غرب آسیا.....
۱۰۸.....	گفتمان عربی در جنوب غربی آسیا.....
۱۰۹.....	پایان جنگ سرد و فعال‌شدن ژئوپلیتیک منطقه‌ای.....

۱۱۳.....	رویکرد ژئوپلیتیک امریکایی در جنوب غرب آسیا
۱۱۸.....	بحران‌های منطقه‌ای و تغییرات جدید ژئوپلیتیکی

فصل سوم: ایران؛ در جست‌وجوی نظم ژئوپلیتیکی منطقه‌ای..... ۱۲۱

۱۲۱.....	ایران و حوزه نفوذ ژئوپلیتیک آن
۱۲۴.....	کد ژئوپلیتیکی کلان و سیاست اعلامی جمهوری اسلامی ایران
۱۲۵.....	قلمرو ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و مبنای آن
۱۲۷.....	قلمرو ایدئولوژیک تأثیرگذار در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران
۱۳۱.....	ماهیت رویکرد ژئوپلیتیک ایران در جغرافیای همجوار
۱۳۲.....	۱- منافع ژئوپلیتیکی ایران در عراق
۱۳۴.....	۲- منافع ژئوپلیتیکی ایران در ترکیه
۱۳۶.....	۳- منافع ژئوپلیتیکی ایران در جغرافیای خلیج فارس
۱۳۷.....	جغرافیای پیرامونی ایمن‌ساز در قلمرو ژئوپلیتیکی ایران
۱۳۹.....	هم‌پیمانی و اتحاد در سیاست خارجی ایران: دوران پهلوی
۱۴۰.....	انگیزه‌های هم‌پیمانی محمدرضاشاه با قدرت‌های بزرگ
۱۴۳.....	سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران و نقش‌یابی رهبر منطقه‌ای
۱۴۵.....	هویت و نقش؛ ایران یک بازیگر اسلامی
۱۴۶.....	ایران و بنیادهای ژئوپلیتیکی رقابت‌زا در منطقه
۱۴۶.....	۱- اختلاف شیعه و سنی
۱۴۷.....	۲- تجربه‌های تلخ تاریخی
۱۵۰.....	۳- اختلافات سرزمینی و مرزی
۱۵۲.....	۴- سیاست خارجی انقلابی- اسلامی ایران
۱۵۴.....	۵- ایران و هلال فرضی شیعی: ایدئولوژیک یا پراگماتیک

فصل چهارم: ترکیه؛ ایده‌ها و علائق نوین ژئوپلیتیکی..... ۱۵۷

۱۵۷.....	زیرساخت جغرافیایی متفاوت میان ایران و ترکیه
۱۵۸.....	بازنمایی ژئوپلیتیکی برخورد‌های تاریخی ترکیه و ایران
۱۶۵.....	کودتای رضاشاه
۱۶۸.....	دوره محمدرضاشاه

۱۷۱	مناسبات دو کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران
۱۷۲	الگوی کشورداری ترکیه در منطقه
۱۷۴	نگرش‌های ایدئولوژیک و گفتمان متعارض ترکیه و ایران
۱۷۸	پان‌ترکیسم؛ بخشی از سیاست جغرافیایی ترکیه
۱۸۱	ژئوپلیتیک قومی کردها در مناسبات دو کشور
۱۸۳	انقلاب‌های عربی و مناسبات دو کشور
۱۸۵	یارگیری ژئوپلیتیکی در منطقه بین ترکیه و اسرائیل
۱۸۸	آغاز شکل‌گیری تصورات ژئوپلیتیکی جدید در ترکیه
۱۹۰	فضای علائق ژئوپلیتیکی ترکیه
۱۹۱	هویت ژئوپلیتیکی ترکیه در قالب قدرت نرم
۱۹۳	کد ژئوپلیتیکی خارجی ترکیه
۱۹۵	ترکیه و ناتو
۱۹۷	رویکردها و هنجارهای رقابت‌آمیز بر جغرافیای ذهنی رهبران ترکیه
۲۰۲	سیاست جغرافیایی اعلامی ترکیه، عدم نقش با همسایگان
۲۰۴	رویکرد به صفر
۲۰۴	تصورات ژئوپلیتیکی ترکیه از آغاز انقلاب اسلامی ایران تا دهه ۲۰۰۰
۲۰۶	تصورات ژئوپلیتیکی ترکیه از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱
۲۰۹	بنیاد سیاست خارجی ترکیه؛ نوع‌ثمنی‌گرایی
۲۱۱	ترکیه و فلسطین
۲۱۳	ترکیه و احداث پایگاه نظامی در قطر
۲۱۳	رویکرد ژئوپلیتیکی ترکیه از سال ۲۰۱۱
۲۱۵	سیاست جغرافیایی متضاد ترکیه و ایران در قبال سوریه
۲۱۸	ترکیه و عراق
۲۲۰	بنیادهای همگرایی در ژئوپلیتیک ایران و ترکیه
۲۲۳	فصل پنجم: عربستان سعودی؛ همراهی با غرب برای مهار رقیب
۲۲۳	عربستان و نزدیکی با غرب
۲۲۴	سیاست اعلامی عربستان سعودی
۲۲۵	۱- محور خلیج فارس

۲۲۶	۲- محور عربی و اسلامی
۲۲۷	۳- محور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
۲۲۷	عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی عربستان
۲۲۹	منزلت عربستان سعودی در نظام منطقه‌ای و شبه‌جزیره عربی
۲۳۱	کد ژئوپلیتیکی عربستان برای مقابله با ایران
۲۳۲	۱- سیاست مهار دوجانبه
۲۳۴	۲- قانون داماتو
۲۳۶	۳- مخالفت با حضور ایران در سازه امنیتی خلیج فارس
۲۴۰	مبنای ژئوپلیتیکی رقابت ایران در محور جنوب غربی آسیا
۲۴۳	تقابل الگوی گفتمان ژئوپلیتیکی عربستان و ایران
۲۴۵	جایگاه تحولات قلمروهای ژئوپلیتیکی متداخل بر رقابت عربستان و ایران
۲۴۶	۱- تحولات عراق؛ جهش ژئوپلیتیک شیعیان و رشد سلفی‌گری
۲۴۸	۲- تحولات فلسطین
۲۵۰	۳- تحولات لبنان
۲۵۳	۴- سوریه؛ بی‌ثبات‌سازی ساختاری در روند رقابت‌های جرخشی
۲۵۶	۵- بحرین و تعارضات ژئوپلیتیکی نسبت به آن
۲۶۰	۶- توسعه چتر استراتژیک عربستان بر یمن
۲۶۲	۷- افغانستان
۲۶۹	رقابت فرهنگی و ایدئولوژیک
۲۷۲	رقابت اقتصادی (انرژی)
۲۷۵	رقابت نظامی
۲۷۶	چالش هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران
۲۷۸	استفاده عربستان سعودی از شورای همکاری خلیج فارس برای موازنه ژئوپلیتیک با ایران
۲۸۲	رقابت ایران و عربستان و جایگاه ایالات متحده آمریکا
۲۸۴	حمایت از ادعاهای امارات متحده عربی در ارتباط با جزایر تنب و ابوموسی
۲۸۶	بازتاب تحولات عراق در رقابت ایران و عربستان در بخش انرژی
۲۸۷ (۲۰۱۱)	نشانه‌های رقابت راهبردی- امنیتی عربستان در جریان تحولات جغرافیای سیاسی اعراب (از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷)
۲۸۹	جنگ‌های نیابتی در گونه‌شناسی رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان

فصل ششم: رقابت‌های چرخشی ایران، ترکیه، و عربستان در قلمروهای ... ۲۹۱

زمینه‌های رقابت ۲۹۱

عربستان ۲۹۵

الف) حوزه ایدئولوژیک ۲۹۶

ب) حوزه ژئوپلیتیک ۲۹۸

ج) حوزه ژئواکونومیک ۳۰۴

ترکیه ۳۰۶

منابع ۳۲۵

منابع فارسی ۳۲۵

منابع عربی ۳۴۱

ج) سایت و نشریات فارسی ۳۴۱

منابع انگلیسی ۳۴۳

منابع انگلیسی؛ سایت ۳۶۰

پیشگفتار

معرفت ناشی از فضای رقابتی در ژئوپلیتیک محصول حوادث زمانه خودش است. همان گونه که از آغاز پیدایش ژئوپلیتیک قدرت و رقابت برای تسلط بر سرزمین و منابع آن مبنای اصلی این دانش قرار گرفته است. توجه ویژه اندیشمندان ژئوپلیتیک به مناطق نمایانگر این است که شناسایی و کشف مناطق مهم و استراتژیک جهان در درون همه پارادایم ها و بنیان های نظری اندیشمندان ژئوپلیتیک برای دستیابی به منزلت ژئوپلیتیکی بوده است. بر این اساس، ژئوپلیتیک استعماری، که دوره نخست تاریخ ژئوپلیتیک با آن آغاز شده، با اندیشه استعمارگری برای تسلط بر مناطق جغرافیایی همراه شده است.

البته، رقابت برای دستیابی به مناطق و داشته های آن تحت تأثیر دو نوع رویکرد قرار گرفته است: بن مایه رویکرد نخست بر حقایق جغرافیای طبیعی مبتنی است و رویکرد دوم بر مبانی ایدئولوژی های برتری خواهانه متکی است.

از طرفی، شکل گیری مناطق در دانش کهن روند تحمیلی داشت و از بالا به پایین قدرت های بزرگ آن را تعریف و مدیریت می کردند. به عبارتی دیگر، مناطق مختلف دنیا از بالا و از منشور شرق و غرب وارد محاسبات ژئوپلیتیکی می شدند. همچنان که در قدیم منطقه از جغرافیای طبیعی در قالب فضای خشکی، دریایی، و غیره نشئت می گرفت، در عصر کنونی، علاوه بر رویکرد قدیم، به واسطه اشتراکات، از بعد انسانی جغرافیا نیز استفاده می شود و مناطق مختلف دنیا از پایین و از درون مناطق خود و، به عبارت دقیق تر، از زاویه ای افقی وارد مناسبات سیاسی بین المللی و رقابت بین قدرت ها می شوند.

در این زمینه، در دوره جنگ سرد رقابت قدرت ها برای سلطه بر مناطق ماهیت ایدئولوژیک پیدا می کند و استراتژی هایی همچون سد نفوذ، دومینو، ضد دومینو، و جهان های هم شکل از لحاظ عقیدتی خود را آشکار می کنند؛ سیاست هایی که در آن زمینه کمتری از حقایق جغرافیایی نمایان بوده و تئوری های ژئوپلیتیکی و بستر رقابتی آن ماهیت ایدئولوژیک به خود می گیرد. پس از فروپاشی شوروی نیز عصر جدیدی آغاز می شود. در این عصر، قدرت های منطقه ای صاحب موقعیت و قدرت نوینی می شوند. در این موقعیت، قدرت های منطقه ای نیز وارد رقابت می شوند و سهم درخور توجهی برای نفوذ در مناطق پیرامون خود جست و جو می کنند. همچنین، تقریباً همه قدرت های منطقه ای، پس از فروپاشی نظام دوقطبی، موقعیت و نقش بیشتری در مناطق پیرامونی خود به عهده گرفته اند؛ از ایران و ترکیه و عربستان در غرب آسیا تا آفریقای جنوبی در جنوب آفریقا و برزیل در آمریکای جنوبی وزن ژئوپلیتیک و تأثیر و کنشگری بازیگران منطقه ای افزایش یافته است.

از طرف دیگر، واقع‌شدن دو یا چند قدرت متوازن در یک منطقه در طول تاریخ زمینه‌ساز رقابت، منازعه، و چالش بوده است. همچنان‌که وجود چند قدرت رقیب در جنوب غرب آسیا، که هر یک داعیه رهبری منطقه‌ای دارند، سبب ناامنی و رقابتی پایدار شده است. در همین ارتباط، شکل رقابت در منطقه جنوب غرب آسیا با تغییرات بنیادین مواجه شده است؛ این تغییرات معادله رقابت‌های منطقه‌ای را بیش از گذشته از حوزه کشش بازیگران فرادست در سیاست جهانی خارج کرده است. به عبارتی، الگوهای رقابت از قدرت‌های جهانی به قدرت‌های منطقه‌ای تغییر شکل یافته است. از طرفی نیز، نیروهای اجتماعی جدیدی وارد عرصه رقابت‌های راهبردی شده‌اند که هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای را به پیروی از شکل خاصی از الگو هدایت می‌کنند. همان‌طور که در جنوب غرب آسیا ایران، عربستان، و ترکیه هر سه کشوری مسلمان‌اند، در نوع روش حکومت‌داری، تصورات ژئوپلیتیکی، و شکل و ماهیت رقابت با یکدیگر از رویکردهای متفاوتی پیروی می‌کنند. از باب نمونه، تضادهای هویتی و ایدئولوژیک نوع خاصی از رقابت بین ایران، عربستان، و ترکیه را در جنوب غرب آسیا می‌توان مشاهده کرد.

از یک منظر، جمهوری اسلامی ایران اغلب کانون‌های جغرافیایی شیعه را حمایت می‌کند و سیاست «تغییر جغرافیای قدرت» با تکیه بر کد ژئوپلیتیکی حمایت از گروه‌های مقاومت در جغرافیای بیرامون را دنبال می‌کند. از منظر دیگر، عربستان داعیه رهبری جغرافیای اهل سنت را دارد. ترکیه نیز ایده جدیدی ارائه کرده و در مسیر آن گام برمی‌دارد یعنی شکوه جغرافیای تاریخی را افتخار می‌داند و در قرن کنونی به دنبال احیای قدرت نوینی به پهنای جغرافیای قدیم خود است. این سه کشور هم‌اکنون در حال رقابت بر سر کسب برتری منطقه‌ای هستند که نگاه آنان بر پایه عوامل ژئوپلیتیکی قدرت، رقابت، نفوذ، و کنترل شکل گرفته است. از این جهت، ضروری است بنیادهای رقابت بین این سه قدرت مسلمان و الگوهای رقابتی آن‌ها کاوش شود.

ذکر این نکته لازم است که در طی نیم قرن اخیر جنوب غرب آسیا از دو منظر بیشتر بررسی شده است: نخست، مسئله انرژی و اهمیت آن و دیگری جنگ‌های رخ داده در این منطقه. اغلب کتاب‌ها و مقالاتی که در ارتباط با این منطقه نگارش شده در ارتباط با منازعات، انرژی، و ژئوپلیتیک انرژی بوده است. همچنین، درمورد جنگ‌های جنوب غرب آسیا، مانند جنگ‌های اعراب و اسرائیل، جنگ اول خلیج فارس (جنگ ایران و عراق)، جنگ دوم خلیج فارس (اشغال کویت توسط عراق)، و جنگ سوم خلیج فارس (اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا) کتب و مقالات بسیار زیادی منتشر شده است. در این ارتباط، رویکرد رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، بنیاد رقابت‌ها، و الگوی رقابت‌ها کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. اثر حاضر به سبب آنکه بنیاد رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا بین ایران، ترکیه، و عربستان و الگوهای این شکل از رقابت‌ها را واکاوی می‌کند دارای نوآوری است.

این کتاب در شش فصل تنظیم شده است: در فصل اول به بررسی چارچوب فهم رقابت ژئوپلیتیکی پرداخته شده است. در همین راستا، استفاده مکرر اما بدون چارچوب از واژه «رقابت» در مفاهیم ژئوپلیتیکی توسط نویسندگان، پژوهشگران، و سیاست‌گذاران برای تبیین، توضیح، و تحلیل مسائل منطقه‌ای سبب تبیین فصل کنونی بوده است. همچنان‌که در اغلب کتب و مقالات به مفاهیم منازعه، بحران، و جالش در ژئوپلیتیک پرداخته شده است؛ اما بررسی مفاهیم مبنایی مرتبط با «رقابت ژئوپلیتیکی» به شکل کنونی مغفول مانده است. همچنین، مکاتب نظری، که بن‌مایه رقابت‌پذیر ژئوپلیتیکی دارند، در این فصل بررسی می‌شوند. در فصل دوم تحولات فضایی قدرت‌های جنوب غرب آسیا کاوش شده است. درواقع، سیر تکوین حکومت-ملت‌ها و قطب‌بندی ژئوپلیتیکی در جنوب غرب آسیا تبیین می‌شود. در فصل سوم کد ژئوپلیتیکی کلان و سیاست اعلامی جمهوری اسلامی ایران، قلمرو ایدئولوژیک-ژئوپلیتیکی، بنیادهای ژئوپلیتیکی رقابت‌زا در منطقه، و سند چشم‌انداز توسعه ایران در قالب نقش‌یابی رهبر منطقه‌ای بررسی می‌شود. در فصل چهارم ایده‌ها و علایق نوین ژئوپلیتیکی ترکیه در جغرافیای سیاسی جنوب غرب آسیا و رویکردها و هنجارهای رقابت‌آمیز آن‌ها با علایق ژئوپلیتیکی ایران تحلیل می‌شود. در فصل پنجم نیز کد ژئوپلیتیکی عربستان سعودی در ارتباط با ایران و سیاست اعلامی و اعمالی این کشور در جغرافیای سیاسی کشورهای عربی منطقه، الگوی گفتمان ژئوپلیتیکی عربستان، و بازتاب این رقابت‌ها در منطقه جنوب غرب آسیا بررسی شده است. در فصل ششم، فصل پایانی، رقابت‌های ایران، ترکیه، و عربستان در قلمروهای ژئوپلیتیکی متداخل تحلیل ژئوپلیتیکی شده است. این اقدامات توسط کدهای ژئوپلیتیکی متعارض ایران، عربستان، و ترکیه و قدرت‌های مداخله‌گر فرامنطقه‌ای ماهیت چندبعدی و پیچیده ایدئولوژیک-ژئوپلیتیکی پیدا کرده است؛ به نحوی که هر یک از رقبای منطقه‌ای وارد فضای رقابتی شده‌اند و خود را صاحب نقش و قدرت برتر می‌دانند و همین امر نیز فضای رقابتی بین قدرت‌های این منطقه را در حالت بحرانی نگه داشته است.

این کتاب برای فهم و درک بیشتر مسائل پیچیده ژئوپلیتیکی در مقیاس منطقه‌ای نگارش شده است. در این کتاب سعی شده از نگاه جانبدارانه فاصله گرفته شود و نگرش‌های موجود از جغرافیای پیرامون بررسی شود تا با شناخت اندیشه‌ها و الگوهای منطقه‌ای رقابت‌زا از جغرافیای تهدیدآمیز به جغرافیای سیاسی صلح‌آمیز نائل آییم؛ زیرا از «منافع مشترک» همکاری، ییمان، و ژئوپلیتیک صلح حاصل می‌شود؛ اما از «منافع تقابلی» رقابت، منازعه، جنگ، و آوارگی.

در پایان ذکر این نکته لازم است که کمک‌ها و راهنمایی‌های تنی چند از استادان بزرگوار در به ثمر نشستن این اثر نقش بارزی داشته است. به رسم سپاس‌گزاری، از همه آن عزیزان، به خصوص دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، دکتر مرجان بدیعی، دکتر الهه کولایی، دکتر حسین ربیعی، دکتر کیومرث

یزدان‌پناه، و دکتر بهادر زارعی، که تجربیات ارزشمند خود را برای بهبود مسیر پژوهش در اختیار ما قرار دادند، قدردانی می‌کنیم.

همچنین، نخست فرصت این پژوهش به‌وسیله دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران فراهم شد. از مسئولان این دانشکده، از جمله دکتر ابراهیم مقیمی، رئیس پیشین، و دکتر کرامت‌اله زیاری، رئیس کنونی، و نیز دکتر محمود وثیق، مدیر محترم گروه جغرافیای سیاسی، صمیمانه سپاس‌گزاریم. از مسئولان و کارکنان مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران نیز، که زمینه چاپ این کتاب را فراهم کردند، تشکر می‌کنیم.

تقدیر قلبی خود را پیشکش دوست ارجمند، جناب آقای دکتر حجت‌اله رحیمی، می‌کنیم؛ زیرا فراتر از آنچه مورد انتظار بود ما را در امر این پژوهش همراهی نمودند. بی‌شک، مهربانی استادان بزرگوار، دوستان، و به‌ویژه خانواده‌های محترم بخش اصلی انگیزه نگارندگان در مسیر تحقق این پژوهش بوده است. این مهربانی‌ها شایسته سپاس‌گزاری فراوان است.

سیدعباس احمدی - طهمورث حیدری موصولو

زمستان ۱۳۹۸

مقدمه

طی نیم قرن اخیر، مطالعات منطقه‌ای بسیار مورد توجه واقع شده است. اما، در مقطعی، به سبب رقابت تبلیغاتی میان قدرت‌های شرق و غرب، نظام بین‌الملل نوع و قواعد بازی و رقابت را مشخص می‌کرد؛ یعنی از اهمیت مطالعات منطقه‌ای کاست و به‌سوی مقیاس جهانی معطوف شد. اکنون مطالعات منطقه‌ای مجدداً در کانون توجهات پژوهشگران قرار گرفته است. امروزه، جهان دگرگون‌شونده و کامیابی‌ها و رفتار در سطح منطقه‌ای به کانون رقابت، مناقشه، و همکاری برای کشورها و به سطح تحلیل برای پژوهشگران تبدیل شده است. بازیابی اهمیت مناطق به دلایل زیر است:

۱- در حال حاضر، مناطق یکی از ویژگی‌های مهم سیاست بین‌المللی است. پایان جنگ سرد سبب شده است نقش قدرت‌های منطقه‌ای در مناقشات منطقه‌ای بیشتر شود. از طرفی، تا زمانی که قدرت‌های بزرگ توانایی مداخله‌گری دارند سیاست بین‌المللی به‌صورت رابطه متقابل پیچیده میان عوامل داخلی، جهانی، و به‌طور فزاینده منطقه‌ای ادامه خواهد یافت.

۲- پایان جنگ سرد از یک بُعد امکانات جدیدی برای همکاری مسالمت‌آمیزتر نظام‌های منطقه‌ای در قالب همکاری فراهم کرده است. در حال حاضر، مسئولیت بیشتری بر عهده کشورهای منطقه گذاشته می‌شود تا مناقشات خود را اداره کنند. در برخی مناطق نیز، آمادگی برای پذیرش چالش‌ها آغاز شده است؛ همچنان که در جنوب غرب آسیا، شورای همکاری خلیج فارس برای ایجاد سیستم امنیت دسته‌جمعی تلاش می‌کند.

۳- مناطق همچنین با یکدیگر تفاوت‌ها و تمایزات بسیار زیادی دارند که نمی‌توان برای هر منطقه نظریه واحدی ارائه داد. تنها کاری که می‌توان کرد تلفیق سیاست‌های منطقه‌ای با رهیافت‌ها و راه‌های جدید برای مطالعات تطبیقی مناطق است.

۴- اهمیت دیگر مطالعات منطقه‌ای فراهم‌سازی زمینه‌ها و شرایط برای تقویت و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای است. در سال‌های اخیر، تلاش‌های بسیاری انجام می‌گیرد تا گفت‌وگو و همکاری بین مناطق ایجاد شود. در این مورد می‌توان به گفت‌وگوهای شورای همکاری خلیج فارس با اتحادیه اروپا، گفت‌وگوهای اروپا و شمال آفریقا، و گفت‌وگوهای اعراب و اروپا اشاره کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸ ب: ۲۶).

با توجه به اینکه نظام بین‌الملل ماهیتی متداخل دارد و «جغرافیا» نیز خود را بر دولت‌ها به لحاظ قرارگرفتن آن‌ها در یک منطقه خاص و در میان چند همسایه تحمیل می‌کند، دولت‌ها پیش از آنکه در گزینش همکاری‌های منطقه‌ای «مخیر» باشند «ملزم» اند. از سوی دیگر، در عصر جهانی‌شدن، تهدیدها

چنان ابعاد گسترده‌ای دارد که مهار آن‌ها فراتر از توان دولت‌هاست. این امر دولت‌ها را ناگزیر می‌کند که هرچه بیشتر به‌سوی تعامل و همکاری‌های چندجانبه به‌ویژه در سطح منطقه‌ای روی آورند.

۵- مطالعات منطقه‌ای به‌عنوان مقیاس تحلیل نیز مطرح است. در گذشته دو مقیاس تحلیل کلان و خرد مورد توجه پژوهشگران بود و آن‌ها به مقیاس تحلیل منطقه‌ای توجهی نداشتند. مثلاً، استفان والت و جان مرشایمر^۱ در بررسی تحولات منطقه‌ای از روش تطبیقی بهره می‌گرفتند. آن‌ها، ضمن استفاده از مقیاس تحلیل کلان (جهان) و مقیاس تحلیل خرد (کشوری)، برای مسائل منطقه‌ای نیز مقیاس تحلیل جداگانه‌ای در نظر می‌گیرند.

در سال‌های اخیر، اهمیت مقیاس تحلیل منطقه‌ای بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بررسی تحولات منطقه‌ای، به‌عنوان سطح تحلیل میانی، هم به درک تحولات سیاست خارجی کشورها کمک می‌کند هم در درک معادلات نظام جهانی بسیار تأثیرگذار است. مقیاس تحلیل منطقه‌ای سبب می‌شود پژوهشگر به نتایج مطمئن‌تری دست یابد؛ زیرا، علاوه بر استفاده از مقیاس تحلیل کلان و خرد، استفاده از مقیاس تحلیل منطقه‌ای، وی را مطمئن می‌سازد که همه جزئیاتی که در تجزیه و تحلیل مهم و مؤثر بوده از نظر وی دور نمانده است. مثلاً، پاتریک مورگان پنج مقیاس تحلیل پیشنهاد می‌کند: فردی، نهادهای تصمیم‌گیرنده، ملت-کشوری، منطقه‌ای؛ و بین‌المللی. وی می‌گوید اگرچه کشورها بازیگران اصلی بین‌المللی‌اند، به‌تنهایی عمل نمی‌کنند. به همین دلیل، توجه پژوهشگران سیاست بین‌الملل و ژئوپلیتیک را به مطالعات منطقه‌ای جلب می‌کند.

در دهه ۱۹۷۰، کنت والتز تئوری نولیبرال خود را ارائه داد. وی در این تئوری برای مقیاس تحلیل منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای در نظر گرفته است. البته، وی در نظریه خود به‌طور کلی بر ساختار قدرت در سطح نظام جهانی تأکید می‌کند. سپس، باری بوزان، از نظریه‌پردازان معروف امنیت، به مقیاس تحلیل منطقه‌ای نیز در مطالعات خود توجه کرد. وی بر این باور است که بررسی ملاحظات امنیتی کشورها در مقیاس کلان یا خرد کافی نیست؛ زیرا دولت‌ها در خلأ زندگی نمی‌کنند و با محیط پیرامونی خود در تعامل‌اند. بنابراین، توجه به مقیاس تحلیل منطقه‌ای این نارسایی را برطرف می‌کند.

از دیدگاه ژئوپلیتیک، از آنجا که مؤلفه‌های قدرت‌آفرین ثابت نیستند، مناطق در تفسیر ژئوپلیتیک پویایی فراوانی دارند و همیشه امکان تغییر در آن‌ها وجود دارد. الگوهای متغیر قدرت الگوی ژئوپلیتیک منطقه‌ای متغیری ایجاد کرده است و در طی دوره‌ای حدوداً دویست‌ساله قلمروهای ژئوپلیتیک بارها دگرگون شده‌اند. همچنان‌که کوهن در تحلیل این موضوع، با ارائه بحث پویایی مناطق، بر این باور است که نه قلمروهای ژئواستراتژیک ثابت‌اند نه منطقه‌های ژئوپلیتیک. قدرت‌های درجه دوم، هم‌زمان با پیدایش خود، «منطقه»های ویژه خود را براساس مصالح خویش تعیین می‌کنند؛ چنان‌که دو قدرت

رقیب در یک بخش ویژه جهان به آسانی دو منطقه جدا از هم ولی متداخل را با اندکی تفاوت در مرزهای پیرامونی هر یک در همان بخش در نظر می‌گیرند (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک مناطق را براساس ویژگی‌های ژئوپلیتیک آن‌ها مطالعه می‌کنند. آلفرد ماهان بر نقش مناطق دریایی و هالفورد مکیندر بر نقش مناطق خشکی تأکید می‌کند. سایر نظریه‌های ژئوپلیتیکی ملهم از این دو نفر است. هالفورد مکیندر نظریه «هارتلند» یا قلب زمین را مطرح کرد. به نظر وی، منطقه اروپای شرقی هارتلند محسوب می‌شد. مکیندر متذکر شد منطقه هارتلند را یک منطقه هلالی شکل محاصره می‌کند. اگر کشوری بتواند منطقه هارتلند را در اختیار داشته باشد، بر مناطق حاشیه‌ای مسلط خواهد شد و به این ترتیب بر جهان مسلط می‌شود. در نظریه مکیندر، جنوب غرب آسیا جزو مناطق هلالی شکل محسوب می‌شد و به همین دلیل همواره جزو مناطق کلیدی کشمکش بین شوروی و آمریکا بود. با توجه به اینکه منطقه هارتلند در تصرف دولت شوروی بود، این امر موجب نگرانی دائم آمریکا شده بود. زیرا آمریکایی‌ها نگران تسلط شوروی بر مناطق هلالی شکل مانند جنوب غرب آسیا بودند. بنابراین، به انعقاد پیمان سنتو و ایجاد پایگاه‌های نظامی در جنوب غرب آسیا اقدام کردند تا از نفوذ شوروی در این منطقه جلوگیری کنند. دکترین‌های معروف رؤسای جمهوری آمریکا، مانند دکترین ترومن و «پنجاه و هفتم» در همین جهت بود.

در سال‌های بعد، آن. جی. اسپایکمن، یکی دیگر از نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک، با ایجاد تغییراتی در نظریه هارتلند، نظریه ریملند (مناطق حاشیه‌ای) را ارائه داد. وی بر این عقیده بود که اگر هر دولتی مناطق ریملند را کنترل کند، بر جهان حکومت خواهد کرد. اس. جی. کوهن نظریه «کمربندهای شکننده» را مطرح کرد که منطقه جنوب غرب آسیا در آن جای می‌گرفت. براساس این نظریه، جنوب غرب آسیا میان دو قدرت بزرگ (شوروی) و بحری (آمریکا) قرار دارد. بنابراین، در زیر فشار این دو قدرت خرد می‌شود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۷).

از نظر نگارندگان، واقع شدن دو یا چند قدرت هم‌تراز در یک منطقه در طول تاریخ عامل منازعه، رقابت، و ناامنی بوده است. این مسئله مصداق ضرب‌المثلی در زبان فارسی است به این شکل: «ده درویش در گلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند». به عبارتی، وجود چند قدرت در جنوب غرب آسیا، که هر یک داعیه رهبری منطقه‌ای را نیز دارند، خود سبب ناامنی و رقابتی پایدار شده است. همچنان‌که جمهوری اسلامی ایران مراکز جغرافیایی شیعه را حمایت می‌کند، عربستان داعیه رهبری جهان اهل سنت را دارد (Henderson, 2007). ترکیه نیز ایده جدیدی ارائه کرده و در مسیر آن گام برمی‌دارد؛ یعنی شکوه امپراتوری عثمانی را افتخار می‌داند و در قرن کنونی به دنبال احیای قدرت نوینی به پهنای جغرافیای قدیم خود است.